

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

اطلاعیه

در باره دیدار هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران با هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا

مرکزی حزب ' رمو سالاتی (Remo Salati) عضو شعبه خارجی حزب ' ایران که متابع ملی ایران را تابع منافع اقتصادی و استراتژیک خود قرار میدهد و همچنین در شعبات توسعه طلبانه و تجاوز کارانه سیاست خارجی رژیم نسبت به کشورهای همسایه ' بویژه کشور های خلیج فارس و دریای عمان که صلح و رشد مملکت را در منطقه بیش از پیش بخطر میاندازد ' تظاهر میکند .

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از ابراز تشکر از همبستگی حزب کمونیست ایتالیا با مبارزه طبقه کارگر و مردم ایران علیه رژیم شاه ' از پیروزی حزب کمونیست ایتالیا در انتخابات پارلمانی و محلی که تأییدی است بر سیاست درست حزب کمونیست ایتالیا ' ابراز خرسندی کرد .

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا پس از ابراز تشکر از اطلاعات هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران ' بار دیگر همبستگی حزب کمونیست ایتالیا با مبارزه دشوار حزب توده ایران علیه رژیم شاه و سیاست اتحاد آن برای استقرار آزادی ' دمکراسی و پیشرفت واقعی اجتماعی در ایران اعلام داشت .

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا با دیگر تشدید کارزار همبستگی با مبارزه میهن پرستان ایران ' هم در سطح کشور و هم در پارلمان ' تأکید کرد .

در بیانیه ' تأکید کرد ' هر دو هیئت نمایندگی تأکید کردند که مناسبات بین دو حزب را بسود خلقهای ایران و ایتالیا تحکیم بخشند و بسط دهند .



رفیق ایرج اسکندری ' دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و رئیس هیئت نمایندگی ' با رفیق برلینگوتی دبیر کل حزب کمونیست ایتالیا ملاقات کرد .

دیداری صورت گرفت . منمن مذاکراتی که در محیط برادرانه انجام شد ' طرفین اطلاعات وسیعی در باره اوضاع کشورها و احزاب خود بیكدیگر دادند .

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران بویژه بر روی ماهیت رژیم شاه تکیه کرده که هر فقدان کامل آزادهای دمکراتیک ' اختناق بیرحمانه و فقدان حد اقل امکان انعقاد برای اپوزیسیون سیاسی و رفت .

در ماه اکتبر ۱۹۷۶ بین هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران بریاست رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا مرکب از رفقا : تولیو ویکتی (Tullio Vecchetti) عضو دبیر کمیون حزب ' پیرو پیرالی (Piero Pieralli) عضو کمیته

پیرامون مصاحبه «مهم» شاه

چنان دست کارتل بین المللی را در تصاحب سالیانه بیش از سیصد میلیون تن نفت خام ایران یاز گذاشته و حتی آن را به استخراج و صدور بیشتر نفت خام ایران بخارج تشویق و ترغیب مینماید ؟ چرا زمانیکه اکثر کشورهای نفت خیز در حال رشد مالک واقعی صنایع و ذخایر نفت خود شده اند؛ شاه هم چنان از ابقاء امتیاز کنسرسیوم دفاع میکند و بعنوان مختلف از ملی کردن واقعی نفت ایران مقرر میروند ؟

بهمه این سوالات و سئوالات نظیر آن ' با در نظر گرفتن این امر که شاه به اهمیت نفت و گاز و خطر پایان یافتن ذخایر نفت ایران واقف است فقط یک پاسخ میتواند داد . آن پاسخ اینست که شاه عالمأ عمداً منافع ملی ایران در نفت خیانت میکند . هدف غائی شاه و مأموریت نهائی سلسله پهلوی ' چنان که خود در مصاحبه اش اعتراف میکند اینست که نفت ایران موقعی تمام شود که عمر طبیعی او نیز تمام خواهد شد .

حالی که صحبت از نفت بمیان آمد بجاست به اعترافاتی توجه کنیم که در مورد بهدر دادن درآمد نفت در مصاحبه مطبوعاتی شاه دیده میشود . ما همه نیروهای حافظ منافع مردم ایران بارها گفته و معذکر شده ایم که در آمد نفت ایران در شرایط کنونی به دست رژیم آتش زده میشود . اکنون خود شاه است که در مصاحبه مطبوعاتی خویش به این واقعیت اعتراف میکند و وعده میدهد که ' اگر پولی اضافه بیاید آن را دیگر آتش نخواهیم زد و 'تغواهییم گذاشت باز همان لاشخور ها جمع شوند و طرح بدهند که با درآمد اضافی فلان کار و بهمان کار را میشود کرده ' و 'داشتهایم گذشته را سلماً دیگر تکرار نخواهیم کرد' دوره کوتاهی (نقط سی و پنج سال) بود که تمام شد و رفت .

لیکن آیا این اعترافات ' که تنها یکی از آنها برای کنار گذاشتن تمام سلسله پهلوی از حاکمیت کافست ' میتواند به این معنی تلقی شود که گویا شاه در آینده درآمد نفت ایران را آتش نخواهد زد ؟ پاسخ این سوال ' چنانکه در همین مصاحبه دیده میشود ' منفی است . درست بکس ' شاه دستور میدهد که از این پس همه اضافه درآمد نفت صرف انجام اموری نظیر خرید سهام کربوب بشود و ' در جاهائی مثل کربوب ' سرمایه گذاری شود . از قدیم گفته اند 'توبه گرگ مرگ است . ' حقا که در مورد دفاع از منافع ملی در نفت ' جز طرد رژیم ' هیچ راه حل دیگری وجود ندارد .

هنکه اول آبانماه در آستانه تشکیل کنگره حزب رستاخیز مصاحبه مطبوعاتی تازه ای از شاه مالت جراید زیر سانسور انتشار یافت . برخلاف ' که مصاحبین ' خبرنگاران خارجی بودند ' نیاز سئوالات امیرطاهری مظهر روزنامه ' کیهان ' ' ابراز نظریات خود در مسائل مختلف داخلی و قرار داده و بدینوسیله افراد داخل کشور را ' خود ساخته است .

بجهت اخیر و هم از آن نظر که اظهارات شاه که خود او دستور داده پایه مشی کنگره و ات آن قرار گرفته ' بجا خواهد بود اگر پاره ای از این اظهار شده را مورد بررسی قرار دهیم . این از اینجهت نیز مفید است که نشان میدهد از ' حزب رستاخیز علیرغم سر و صدای فراوان ' ید سیاست ضد ملی و ضد خلقی رژیم نتیجه ن بدست نیامده و نمیتوانسته هم بدست آید .

مصاحبه مطبوعاتی اخیر شاه مانند تمام مصاحبه یگر او مغلق و پیچیده ' بدون مبتدا و خیر و پایان است . بررسی مطالب به شیوه ای که آنها پاسخ میدهد نه در حجم ستونهای بسیار روزنامه ' مردم ' میگنجد و نه اصولاً چنین بررسی ن دارد . بدینجهت ما بررسی مصاحبه را با تکیه بند مطلب مهم از مطالبی که شاه پیرامون مسائل داخلی و خارجی بیان داشته انجام میدهم .

مسئله نفت و درآمد آن از مسئله نفت و درآمد آن شروع میکنیم که مع از اهم مسائل سیاست داخلی و خارجی کشور انصاف باید داد که شاه نسبت به اهمیت نفت و آینده ای که در انتظار ذخایر نفتی کشور ما بیگانه نیست . این سخنان از متن مصاحبه اتی او که میگوید ' نفت را نباید برای تولید برق و حرارت سوزاند و باید در پتروشیمی بکار ' . بالاخره دنیا به این حقیقت خواهد رسید و زانندن نفت و گاز طبیعی برای تولید انرژی یک ' موقعی خواهد رسید که نفت قیمت خود را در بازار پیدا کند قیمت نفت هنوز پائین است که سایرین اصلاً دنبال دیگر منابع نمیروند و یا این اظهار نظر که ' این نفت ی تمام خواهد شد ' بیست یا سی سال دیگر ' ' جمعیت کشور ما حدود ۶۵ میلیون نفر ' و درست در همانموقع نفت ما تمام شده ' همه حاکمیت که شاه هم به اهمیت نفت واقف است و هم به خطری که با تمام شدن این ثروت گرانبها ایران را تهدید میکند می دارد . البته اینها مطالبی است که مخالف دمکراتیک بارها قبل از شاه آنرا تا کجید و م کرده بودند .

کنفرانس همبستگی سندیکائی بین المللی با زحمتکشان و خلق عرب فلسطین

از روز ۲۵ تا ۲۷ اکتبر ۱۹۷۶ دومین کنفرانس بین المللی سندیکائی برای پشتیبانی و همبستگی با کارگران و خلق عرب فلسطین در شهر (کارل مارکس) در جمهوری دمکراتیک آلمان تشکیل گردید . دبیر خانه کمیته دائمی سندیکائی بین المللی برای همبستگی با کارگران و خلق فلسطین گزارش کار خود را پس از اولین کنفرانس (۱۹۷۱ در صوفیه) بکنفرانس تقدیم کرد . در این گزارش به گسترش همدردی و همبستگی در مقیاس جهانی نسبت بخلق مظلوم عرب فلسطین و پیروزیهایلیکه جنبش مقاومت فلسطین زیر رهبری سازمان آزادی فلسطین بهیای فداکارها و قهرمانیهای این خلق با پشتیبانی همه نیرو های ضد امپریالیستی جهان در درجه اول مجمع کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد جماهیر شوروی در صحنه بین المللی بدست آورده ' اشاره شده است . سپس توسطه امپریالیسم و زحمتکشان برای در هم شکستن جنبش مقاومت خلق عرب فلسطین در لبنان و سرکوب نیروهای مترقی این کشور افشا گردیده است . بدنبال این گزارش نمایندگان بیش از صد و پنجاه سازمان سندیکائی کارگری و قدراسیون سندیکائی جهانی همبستگی و همدردی خود را نسبت به جنبش مقاومت فلسطین و نیرو های مترقی لبنان ابراز کردند . نماینده ایران ' نقش دو

دوستان امپریالیسم ' یعنی اسرائیل صهیونیستی و حکومت استبدادی ایران را در خاور میانه بیان داشت و دوروی حکومت ایران را در مورد مسائل خاور میانه و ارتباط نزدیک آنرا با اسرائیل و ارتجاع عرب و بخصوص با کامل شمعون دوست قدیمی اسرائیل که در حوادث لبنان کمک تسلیحاتی و مالی از طرف شخص شاه دریافت کرده ' افشا نمود . نماینده ایران همبستگی زحمتکشان و مردم ایران را نسبت بخلق عرب فلسطین و نیروهای مترقی لبنان اعلام و خواستار شد که علاوه بر پشتیبانی سیاسی و معنوی از آنها سازمانهای کارگری و نیرو های مترقی جهان هرچه زودتر بیاری دهها هزار مردم لغت ' گرسنه ' زخمی و بیخانمان فلسطین در لبنان که بویژه با فرا رسیدن زمستان در خطر نابودی هستند با گرد آوری کمک مالی و وسائل اولیه زندگی پشتیبانند . این کنفرانس که مظهر سازمانهای کارگری و زحمتکشان جهان بود با فرستادن یک پیام به مجمع عمومی سازمان ملل متحد و یک پیام خطاب بمردم جهان کار خود را با کلامیای پایان داد . در پیام به سازمان ملل متحد اجرای تضمینات شورای امنیت این سازمان در مورد حقوق ملی خلق عرب فلسطین برای ایجاد حکومت مستقل خود در خاک میهنش خواسته شد و دنباله در صفحه ۲

پیرامون مصاحبه «مهم» شاه

لیسم آمریکا داده در همه محافل علاقمند به استقلال کشور نگرانی جلی بوجود آورده است. به همین جهت است که این محافل خود را تاگزیر می بینند از زبان مخبر «کیهان» به شاه اعلام خطر کنند که نگاه داشتن قیمت محصولات کشاورزی برای تولیدکننده داخلی در سطح پایین، امر کشاورزی را مختل ساخته و نتایج وخیمی ببار میآورد.

ببینیم شاه به این اعلام خطر چگونه برخورد میکند؟ او راست و پوست کنده یا افزایش قیمت برای محصولات کشاورزی تولیدی در داخل مخالفت میورزد. سعی شاه حتی اینست که با استدلال غلط و وارونه، ضرورت نگاهداشتن قیمت محصولات کشاورزی تولیدی داخلی را در سطح نازل تر از محصول بازده کم، کارائی کمتر و تولید بسیار اندک و پراکنده در کشاورزی ایران درست دلالی است که نشان میدهد قیمت محصولات کشاورزی ایران نمیتواند و نباید نازتر و حتی برابر با قیمت محصولات کشاورزی در کشور هائی باشد که دارای سیستم پیشرفته کشاورزی هستند و علاوه از صنم مساعد اقلیمی و جوی نیز برخوردارند.

پیشتر به این امر اشاره شد که شاه در این زمینه به این فکر افتاده که چگونه بتواند در این امر موفق شود. او میگوید - اگر قیمت محصولات کشاورزی تولید شده در داخل را بالا ببریم و کشاورزی ناسالم و مریض خواهد بود و بالاخره شکلی از بین خواهد رفت. این استدلال واقعاً «شاهانه» است. چه طریق آن تجویز دوا برای بیمار موجب بازگشت سلامتی نشده، بلکه بمرگ وی منتهی میشود. حقا که علنی تر از این نمیتوان ضرورت مقدم داشتن منافع امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا، که اکنون به غصب بازار فروش محصولات کشاورزی ایران نائل شده، بر منافع معطلان زحمتکش و کشاورزان و توده مردم را به «ادبیت» رسانید.

مسائل آموزش و پرورش

بنا بهاعراف شاه در حال حاضر وزارت آموزش و پرورش بجای ۲۱۰ هزار آموزگار و دبیر مورد احتیاج تنها ۲۳۰ هزار آموزگار و دبیر در اختیار دارد. برای تأمین حد اقل حوائج آموزشی بنا به اعتراف شخص شاه، جای ۱۸۰ هزار آموزگار و دبیر خالیست. این بدنامی است که تعداد آموزگاران و دبیران موجود تنها پانصدگونی ۵۵ درصد حوائج آموزشی است. ۲۵ درصد حوائج آموزشی کشور بعلت فقدان آموزگار و دبیر، و امانت کتیم ساختمان دبستان و دبیرستان و دیگر کارکنان مورد لزوم، تأمین نشده باقی مانده. عبارت ساده تر، ۲۵ درصد کودکان مدرسه و نمی توانند درس بخوانند چون آموزگار و دبیر نیست. مدرسه و الی آخر وجود ندارد. مشکل بیسوادی را نمیتوان از میان برداشت، چون کادر کافی آموزشی برای حل این مشکل وجود ندارد. وضع تحصیلات حرفه ای، متوسطه و عالی از این هم نابسامان تر است. این وضع درست در زمانی است که احتیاج کشور به افراد با سواد، کارشناس و دانش آموخته در سطوح مختلف روز افزون است و بدون حل اساسی این مسائل تسریع در رشد اقتصادی و پیشرفت واقعی کشور واقعاً میسر نیست.

شاه بجای آنکه راه حل صحیح مسئله تأمین کادر آموزشی را ارائه دهد و به صدور دستور افزایش واقعی بودجه و تأمین اسکانات لازم برای تسریع در تربیت کادرهای آموزشی مبادرت ورزد؛ امر تأمین کمبود

کادر آموزگاران و دبیران مورد لزوم را به استفاده دو ساعته از هر تحصیل کرده برای درس دادن در مدارس، موکول میسازد و معتقد است که «با این کار کمبود تا حد زیادی جبران خواهد شد و وضع بکلی عوض خواهد شد!»

ناگفته پیداست که در اینجا نیز نظر «شاهانه» حمایت عملی از ادامه سیاست جلوگیری از آموزش و ادامه بیسوادی در جامعه ایران و مسانعت از پیشرفت علم و فرهنگ در کشور ماست. شاه علیرغم تظاهرات گوناگون در حمایت از آموزش و پرورش و سواد و علم و فرهنگ همچنان پاسدار عقب ماندگی کشور ما در این زمینه باقی مانده و با حل بنیادی این مسائل عملا مخالفت میورزد.

مسئله مسکن

طبق نوشته روزنامه های زیر سانسور و آمار های دولتی هم اکنون در شهر تهران قریب صد هزار واحد مسکونی اجاره ای خالیست. علت این امر بالا بودن سطح اجاره بهاست. حتی قشر هلی بالاتر از متوسط اداری و شهری نیز قادر به اجاره این خانه ها نیستند. هرم دلالان زمین و صاحبان مستغلات عمده شهری، که هر یک ده ها خانه و آپارتمان دارند و درباریان خود در رأس آنها هستند، نه فقط سالیانه بلکه طی ماه، دهها میلیارد ریال دستمزد و حقوق کارگران، پیشه وران و کارمندان ادارات را بعنوان اجاره بها غصب میکنند و به فروتهای قارونی خود میافزایند. در این شرایط حل مسئله مسکن دیگر جز از راه ملی کردن زمینهای متعلق بمالکان بزرگ و مستغلات عمده و ایجاد واحد های مسکونی تازه شهری بطریق دیگر میسر نیست. این واقعیتی است که مطبوعات زیر سانسور نیز غالباً تحت فشار افکار عمومی بقبول آن اعتراف دارند. مخبر روزنامه «کیهان» نیز در همین جهت سؤال مربوط به وضع مسکن را با شاه مطرح نموده است. لیکن شاه اینجا نیز آب پاکسی روی دست مخبر ریخته و با صراحت خاطر نشان میسازد که با حل مسئله مسکن از راه پایان دادن به خاک بازی، سودجویی از زمین و مستغلات مخالف است و راه حل مسکن از نظر او «ساختن بیشتر و بیشتر» و «افزایش عرضه» است. در اظهارات شاه البته لغاتی حمایت از منافع اکثریت کم نیست. لیکن عمل شاه و دستور او درست در جهت تثبیت وضع اقلیت زمین خوار و مستغل داری است که همان مطبوعات زیر سانسور نیز از آن بنام «فقدان الیه شهری» نام میبرد.

برخی مسائل عمومی

شاید شاه در مورد دیگر مسائل مملکتی نظیر مسائل صنعتی کردن کشور، روابط کارگر و کارفرما، قرار سرمایه ای ایران، مبارزه با بورژوازی و نظایر آن نظریات صائبی ابراز داشته و در حدود معینی به خواست های طبقات وسیع مردم پاسخ داده باشد. در این موارد نیز به این اظهارات در مصاحبه شاه برمیخوریم که میگوید که: «هر پول اضافی را باید در آینده مملکت سرمایه گذاری کرد؛ مثلاً در جاهائی مانند کروپ» (معنی آینده مملکت را هم فهمیدیم) کارگران نه تنها باید مطابق دستمزد... بلکه باید بیشتر هم کار کنند، قرار سرمایه ای ایران «بظنرم مانعی ندارد و باعث هیچ نگرانی هم نیست»، راه مبارزه با بورژوازی هم «کمپیوتری کردن کارها» است و نظائر این پاسخها - کلیه این اظهارات مبین آنست که شاه نه در سطح مصالح عمومی و منافع طبقات زحمتکش و ملی، بلکه در سطح مصالح خصوصی و آنچه مربوط به حفظ رژیم و تأمین منافع اقلیت سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم است میاندیشد و لاغیر. شاه گذشته از مسائلی که به آنها اشاره کردیم در مورد طرز اداره کشور و سیاست جهانی و خارجی نیز در مصاحبه اخیر خود مطالبی بیان نموده که جهت فکری او و نتایجی را که از این طرز فکر عاید جامعه ایران خواهد شد آشکار میسازد.

مفاهیم دمکراسی و حکومت مردم

برای عموم روشن است که شاه کمترین اعتقادی به دمکراسی نداشته و ندارد. دخالت مردم در سرانجام خود و این امر که راه رشد اجتماعی و اقتصادی واقعی است که خود مردم باید آن را برگزینند و نه اینکه افراد طبق سلیقه خود آن را مین و دیکته کنند برای

شاه مقوله های ناپذیرفتنی است. از خلال مصاحبه اخیر شاه نیز کاملاً مشهود است که او در طرز فکر استبدادی خود کاملاً پیگیر است و تجارب زمان (گرچه این تجارب برای تغییر هر مؤثر متجرب کانی است) نه فقط او را به عقب نشینی وادار ناساخته، بلکه وی را در نظریات استبدادی غرون وسطائی اش با برجا تر و سرسخت تر نموده است. شاه از حوادث زمان بجای آنکه درجهت تغییر در فکر و روحیه خود و فرزت و پوسیده بودن نظام استبدادی سلطنتی نتیجه گیری کند، گرچه بسیار عجیب بنظر میرسد، در جهت استهزاء دمکراسی و توضیح به ممالک غربی دایر به بازگشت به رژیمهای استبدادی قری، نتیجه گیری نموده است.

این جملات حیرت آور از آن مصاحبه مطبوعاتی شاه است که میگوید «خیلی دلم میخواست میتوانستم بجای این اصطلاح دمکراسی که این قدر مسخ شده و به اقتضایات امروز کشیده، اصطلاح دیگری پیدا میکردیم، «دمکراسی» اگر وجود داشته باشد - غیر از این کاری که ما میکنیم چه معنایی میتواند داشته باشد؟ بزعم شاه پیامال ساختن هر نوع آزادی فردی و اجتماعی و آدمکشی علنی سازمانهای امنیتی و پلیس «دمکراسی» است. با این طرز فکر البته شاه حق دارد متعجب باشد که چرا حتی دوستان غربی او، وی را مستبد و دیکتاتور مینامند. کسی که میگوید «حتی به زور هم شده، باید بر یک ملت حکومت کرد» البته در ابداع معانی و مفاهیم دلخواه برای دمکراسی مختار است. اما این مفاهیم میتواند در چهار دیواری کاخ سلطنتی و زندانهای علنی و غیرعلنی که ساتراپان شاه بر آنها حکومت میکنند اعتبار داشته باشد و نه در خارج از آنها. جالب تر از همه اینکه شاه با این طرز تفکر اظهار امیدواری میکند فلسفه او نه فقط ببرد ایران و ملت ایران میخورد، بلکه «کشور های دیگری هم ممکن است از نظر تئوریک (!) از آن استفاده کنند» !!!

مسائل جهانی و سیاست خارجی

از این ترهات در گذریم و به اجمال هم شده به بررسی اظهار نظرهای شاه در مسائل جهانی و سیاست خارجی بپردازیم که بهر حال و متأسفانه برای سرانوست کشور ما نتایج عملی بر آنها مترتب است. شاید در این زمینه با فکر اعلیحضرت فارغ از تیرگی بوده و تا حدی مقتضی منافع کشور ما و صلح باشد که همه از آن بهره میبرند! اتفاقاً چنین نیست. شاه چنانکه خود میگوید محیط بین المللی را گیره و تار می بیند. وقتی از او سؤال میکنند «نگرانیهای شاهنشاه درباره آینده کدام است؟» پاسخ میدهد «از لحاظ دنیا «بطور کلی» نگرانی هایم اتفاقاً خیلی زیاد است... بنظر میرسد که تا هفت یا هشت سال دیگر سرانوست دنیای امروز ما متشناس خواهد شد. باین معنی که آن تمدنی که ما میشناسیم (یعنی سرمایه داری امپریالیستی) تمدنی که البته معایب زیاد دارد، اما خوب محاسنی هم دارد، خواهد ماند یا نه؟ آیا دنیای ما دگرگون خواهد شد؟ آیا دنیای ما زیر و رو خواهد شد؟ جواب این سؤال ها تا هفت یا هشت سال دیگر روشن خواهد شد».

چنین سؤال و جوابی فقط از جانب کسی میتواند طرح شود که از خواب بسیار آشفته ای برخاسته و یا دچار چنین خوابی باشد. شاه همیشه خواب ادامه سلطنت مطلقه را میدیده. او معتقد است که دست غیبی حافظ تخت سلطنت و حامیان آنست. اکنون بنظر میرسد که امید وی از همه جا قطع شده. شاه با مرحله ای از تاریخ و اوج جنبش خلفها خود را مواجه می بیند که دیگر توسل به نیروی غیبی را هم برای حفظ خود و آن تمدن غارتگری که در پناه آن رژیم های مشابه او قرار گرفته اند بیفایده میدانند. این درجه از یأس و بدبینی شاه نسبت به آینده اتفاقاً نمودار بدنی برای خوش بین تر شدن توده های اسیر «مبارزان آزادی» دمکراسی و استقلال نیست گرچه اینان بخوبی میدانند که تا پیروزی هنوز راه پس دشوار در پیش دارند و طی این راه مستلزم تجهیز همه نیروها علیه امپریالیسم و رژیمهای دست نشانده آنست. شاه با ابراز نگرانی از آینده جهان و منطقه البته هدف معینی را دنبال میکند. وی در جواب این سؤال که «تجولات منطقه خردمان را چگونه ببینید؟» میتوان خوشبین بود یا نه؟ پاسخ میدهد «فلا هیچ

کنفرانس همبستگی سندیکائی . نسبت برقرار ظالمانه و ضد بشری اسرائیل یک میلیون عرب فلسطینی در زمینهای اشغال شده اعتراض کردند. در پیام بکارگزاران های کارگری جهان لزوم خروج نیروهای نظام از لبنان، حفظ وحدت لبنان و واگذاری حل این کشور به مردم آن تصریح گردیده است. کارگران! زحمتکشان! مردم شرافتمند بیاری خلق رنج دیده و دلبر فلسطین که بزور و زورطلبی و صهیونیسم از خانه و مین خود رانده شده اند بشتابیم و از دادن کمک مالی و لوازم از هر راه و زیر هر عنوانی که ممکن است نوزیم - این وظیفه انسانی و اخلاقی ماست. ۱. گویا چیزی که باعث خوشبینی باشد نمی بینیم! ما همچنان قوی شدن و قوی ماندن است میخواهد نه فقط بدینوسیله به سردمداران یا تملن مورد ظواهرش «هدشار باش» بدهد و به ادامه جنگ سرد و سیاست تسلیحاتی و روی از سیاست همزیستی سلامت آمیز تشویق و ترغیب بلکه قصد اسامیش تیرته و ادامه سیاستی است خود او در این مورد در پیش گرفته و در آن می ورزد.

شاه سیاست نظامیگری و تسلیحاتی د واری را در پیش گرفته و بدون توجه به خطرات این سیاست برای امنیت کشور ما و صلح مه جهان ببار میآورد و حتی علیرغم مخالفتی که این سیاست در میان هیئت حاکمه ایران بوجود میدهد آن را ادامه دهد. از همین جاست که برای قبول هیچ تغییری در سیاست نظامیگری خود که او بدروغ بدان نام دفاع از میدهد گوش شنوا ندارد و درست بعکس فر ادامه آن لجاجت میورزد. در همین مصاحبه وقتی باو سؤال میدهند که «آیا دفاع از ایران سیاست مستقل ملی نمیتواند جزو اصول انقلاب گردند؟» شاه خاطر نشان میسازد که او آن دو را «مفروق اصل» اعلام میکند. و این حتی «مفروق زمان و تاریخ» میسازد. معنی این آنست که شاه بهیچوجه حاضر نیست در باره تم نظر در سیاست نظامیگری و تسلیحاتی دیوانه وار خود وی انرا سیاست دفاعی مینامد حتی کلمه ای یشتن

شاه با اظهارات آشکار و عمل خود نیاید مقاصد ضد ملی و ضد خلقی خویش را آشکارا است. اکنون نوبت مردم ایران است که از کشور خود درجاده تشدید مشکلات اقتصادی، اجنه وابستگی بیشتر به امپریالیسم و تحقق توطئه خطرناک نظامی آن جلوگیری کنند و برای امر رژیم که استقلال، آزادی، دمکراسی و صلح را بارمغان آورد سکوشا باشند.

رادیو پیک ایران را بشنویید! رادیو پیک ایران همه روزه از ساعت ۶ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی ام کوتاه ردیف ۲۵ و ۲۶ و ۳۱ متر پزینهای کرده آذربایجانی و فارسی برنامه پخش میکند. عین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه تا ساعت ۹ و ۴۰ بعد از ظهر بوقت تهران مجدداً تکرار میگردد. رادیو پیک ایران را بشنوید و شنیدن آنرا دوستان و آشنایان خود توصیه کنید! با این آدرس با رادیو پیک ایران با روزز مردم مجله دنیا مجله مسائل بین المللی مکا کنید! B. 49034 0028 Stockholm 49 Sweden